



۲۰۱۶/۳/۲۰



داؤد موسی

کنوانسیون محتسبان در شهر کابل



چند سطر که در پایین از نظر تان میگذرد، در واقع بر مبنای افواهاتی میباشد که در مورد قتل جانگداز و وحشیانه یک زن در زیارت شاه دو شمشیره کابل بروز ۲۸ حوت شایع گردیده است. چه مقامات دولتی تا هنوز در مورد جزئیات واقعه لب نگشوده اند.

میگویند یک زن نزد یک نفر تعویذ نویسی که در داخل زیارت بساط کاسبی گسترده بود رفته و در مورد کدام تعویذی که برایش قبلاً داده بود، در ضمن شکایت تعویذ را نیز پاره نمود. علاوه میکنند که درین وهله تعویذ نویس زن را متهم به سوختاندن قرآن مجید نمود. افواه دیگر مشعر برینست که زن در واقع قرآن مجید یا برخی از آن را به آتش کشیده بود. در هر دو حالت از خود تعویذ پاره یا اوراق نیمه سوخته کتاب الله کدام اثری بدست نیامده است. در عاقبت امر - طوری که در ویدیویی از صحنه معرکه دیدیم، یک عده از "فدائیان اسلام" اداره امور را بدست گرفته و تا انجام فاجعه که به قتل و سوختن جسد آن زن بد بخت انجامید، از "خیریا الله" دریغ نکردند. حال اگر گرفت شخصی من با واقعیت این فاجعه کلاً یا قسماً متفاوت هم باشد، باز هم بر تحلیل که من از آن دارم مؤثریت چندانی ندارد.

می توانیم این ماجرا را از دو نقطه نظر تحت بررسی قرار دهیم: یکی از نظر قوانین مدنی: در یک پروسه دیموکراتیک مدرن، به منظور عکس العمل در قبال اعمال عدول از قانون - اعم از جنایت، جرم یا جنحه، چهار مرحله عمل وجود دارد: اولاً پولیس موضوع را بررسی نموده، دلائل و شواهد اعمال جرم را تهیه نموده و در صورت لزوم، مجرم را زندانی ساخته و بالآخره دوسیه مربوط را به خرنوال می بسپارد. خرنوال نیز به نوبه خود از روی شواهدی که در دوسیه وجود دارد صورت دعوی حق الهی را به محکمه ذبحک می فرستد. درین مرحله، قاضی در صورتی که از قانون شکنی متهم مطمئن گردد، حکم یا فیصله خود را (اعم از جریمه، حبس، اعدام یا مجازات دیگری) صادر می نماید. در مرحله نهائی تعمیم حکم (تنها بعد از نهائی شدن موضوع در محاکم ثلاثه) از وظائف بندیوان، جلاد و غیره اشخاصی میباشد که قانون برای هر کدام حدود و صلاحیت های صریح مقرر نموده است. درین پروسه همین چهار دست اند کارانی که ذکر نمودم با یکدیگر غیر از ارتباط و وظیفوی، کدام رابطه دیگری داشته نمی توانند.

گونه بازتاب دوم با واقعات فوق الذکر پروسه خود کفای احتساب می باشد که شریعت اسلامی توصیه نموده است. درین پروسه هر چهار وظیفه بالای به یک نفر (محتسب) سپرده شده است. وقتی یک محتسب با شخصی رو برو

میشود که به زعم او ریشش کوتاهست، همین محتسب می تواند فی المجلس به جرم شخص تصمیم گرفته، مجازات او را (که مثلاً ده ضرب کییل باشد) تعیین و بالایش تطبیق نماید. منتهی شخص محتسب باید در قانون متداول رسماً به سمت احتساب مقرر باشد، نه یک شخص یا گروه پخپل سر.

به نظر من غائله دو روز پیش با مقررات هر دو پروسه در تعارض میباشد. ممکن است در مورد پروسه قانون مدنی به نزد خوانندگان کدام ضرورتی به تشریح فراتر وجود نداشته باشد، چه قانون اساسی افغانستان در چندین جا آنچه را که در بالا به عرض رساندم تأیید نموده است. اما از نظر شرعی مجازات همگون از قبیل سنگسار اگر در گذشته هم صورت گرفته باشد، از روی یک تعاملی بود - که طوری که نوشتیم، دولت وقت در گرو آن قرار داشت. این که جمعی وحشی بی دریغ جان یک انسانی را بصورت "خود رو" به دلیل اینکه "مردم گفتند که قرآن را در داده است" بگیرد، در تاریخ معاصر ما بی مثال بوده است.

این را نیز شنیدیم که زن بیچاره مبتلا به بیماری عقلی بوده و اگر چنین باشد، خداوند (ج) که خودش نیز یروز حشر شخص فاقد عقل را مسؤول قرار نمی دهد، ما چطور می توانیم چنین صلاحیتی را از ان خود بسازیم؟ از بازتابهای دلچسپی که درین دو سه روز در رسانه ها می خوانیم و می بینیم، یکی از آن یک ملا امام یکی از مساجد کابل است که گفته ما با هر کسی که چنین عملی را بر قرآن مجید روا بدارد، معامله همگونی می نمایم. نه خیر جناب ملا صاحب.

این کار از شما نی بلکه از دولت افغانستان به نمایندگی از ملت ماست و نه از چند نفر اوباش بازاری. صلاحیت دولت هم تنها و تنها در صورتی که جرم یا جنایت از طرق قانونی و شرعی ثابت باشد.

یکی دیگری بنام خانم سیمین حسن زاده که خود را معین وزارت اطلاعات و فرهنگ می گفت، آیه نهم سوره الحجر را از قرآن مجید به متن ذیل شاهد ادعای خود ساخته است: "انا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ" (۱). درین مقطع باید دو نکته معترضه را بیاد شان بدهم. یکی اینکه مراد حضرت باری تعالی از ذکر کلمه حفاظت عبارت از حفاظت متن قرآنی از تحریف میباشد و نه از صدمه فزینی. اگر چنین نمی بود، این را که سالانه ده ها نسخه کلام الله مجید از اثر انفجارات طالبان در مساجد خاکستر میگردند به چه تعبیر نماییم؟ موضوع اصالت متن قرآن آن قدر لا ریب فیه است که امروز سر سپرده ترین دشمنان قرآن نیز ازین که متن این کتاب از آغاز تا امروز دست نخورده میباشد انکار نمی کنند.

اعتراض دوم هم این که اگر ذات اقدس الهی طبق تعبیر معینه صاحبه حمایت فزینی قرآن پاک را بر عهده گرفته باشد، آیا گناهی کبیره تر ازین بوده می تواند که ما وعده حمایت الهی را مکفی ندانسته و خود ما دست در کار شویم؟

بروز واقعه اتفاقاً من در یک تکسی با چند مسافر دیگر نشسته بودم. یکی گفت که این کار به غیر از یک توطئه دیگر امریکا و اسرائیل چیز دیگری نیست و دیگران نیز تصدیق کردند. آنها درین مورد نیز متفق بودند که گروه داعش یکی از دست ساخته های اسرائیل به منظور تباهی اسلامست. این در حالی که اگر داعش روزی قدرت سیاسی شرق میانه را در دست بگیرد، اولین قدمش در راستای محو کشوری به نام اسرائیل از روی زمین خواهد بود. عده معتنی بهی در میان ما استند که اگر درین کشور آسمان بزمین هم بخورد، آنها دران احساس کدام مسؤولیتی نمی کنند.

تمام این فاجعه به زعم من در ذات خود از یک روحیه بی عدالتی و بی مبالاتی شدیدی که در جامعه ما حکمفرماست نمایندگی میکند که همین روحیه وحشیانه ه به ذات خود ناشی از یک حالت "جان بلب رسیدگی" مردم از وضع موجود اجتماعی و سیاسی موجود در کشور ما میباشد. الله یاور.

(۱) معنی آن چنین است " این ذکر (کتاب) را من خودم نازل نمودم و حافظ آن نیز منم."